

تشیع و شرق شناسان

<?xml encoding="UTF-8">

تشیع و شرق شناسان / گفت وگو با عباس احمدوند

برای به دست آوردن اطلاعات در مورد کم و کیف فعالیت شرق شناسان در زمینه شناخت تشیع به سراغ آقای عباس احمدوند مدرس دانشگاه در رشته تاریخ و تمدن اسلامی که در این زمینه مطالعه و پژوهش داشته است رفتیم و پرسش هایمان را با ایشان در میان گذاشتیم. آنچه در پی خواهد آمد حاصل این گفت وگوست که امید داریم مورد استفاده شما عزیزان واقع شود.

اشاره

جهان شرق همواره مورد توجه سیاستمداران و دانشوران غربی بوده است؛ گاه به عنوان منبع پایان ناپذیرذخایر طبیعی و مواد معدنی، گاه به عنوان بازاری بزرگ برای مصرف تولیدات تحقیق و پژوهش فراهم می آورد و موجب شده است که امروز شاهد نگارش و انتشار هزاران اثر پژوهشی از سوی شرق شناسان غربی باشیم. وقوع انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه های شیعی در ایران بار دیگر غربیان را متوجه عالم پر رمز و راز شرق کرد و شرق شناسان را که تا پیش از این انقلاب، اسلام را تنها با روایت سنیان می شناختند، واداشت که با تجدید نظر در مطالعات پیشین خود یک بار دیگر اسلام را از منظر تشیع مورد واکاوی قرار دهند. غربیان در کمتر از سه دهه با بسیج همه امکانات علمی و دانشگاهی خود، پژوهش ها و تحقیقات فراوانی را با هدف شناخت ابعاد مختلف مکتب تشیع و جلوگیری از بسط و توسعه این تفکر در جهان سامان دادند تا آن جا که امروز ده ها کرسی شیعه شناسی در دانشگاه های معتبر جهان تشکیل شده و صدها کتاب و هزاران مقاله در این زمینه منتشر شده است. اما در مقابل باید اعتراف کرد که اطلاعات ما در حوزه مطالعات شرق شناسی بسیار اندک است و کمتر در جریان اقداماتی که در جهان غرب در زمینه شناخت اسلام و به ویژه قرائت شیعی از اسلام صورت می گیرد، هستیم با توجه به آنچه گفته شد مجله موعود اقدام به درج سلسله گفت وگوها و مقاله هایی در زمینه مطالعات شرق شناسانه نموده است که امید داریم بتواند تا حدی خلأ موجود را برطرف کند. در نخستین قدم و برای به دست آوردن اطلاعات اولیه در مورد کم و کیف فعالیت شرق شناسان در زمینه شناخت تشیع به سراغ آقای عباس احمدوند مدرس دانشگاه در رشته تاریخ و تمدن اسلامی که در این زمینه مطالعه و پژوهش داشته است رفتیم و پرسش هایمان را با ایشان در میان گذاشتیم. آنچه در پی خواهد آمد حاصل این گفت وگوست که امید داریم مورد استفاده شما عزیزان واقع شود.

با تشکر از شما که در این گفت و گو شرکت کردید لطفاً بفرمایید منظور از شرق شناسی چیست و شرق شناسان به چه افرادی اطلاق می شود؟

شرق شناسی را که در فارسی آن را خاورشناسی و درعربی استشرق و در انگلیسی Orientalism می خوانند می

توانیم مطالعه و پژوهش درباره تاریخ فرهنگ، سیاست و اقتصاد و خلاصه همه جنبه های مربوط به شرق بدانیم.

برخی شرق شناسی را علم می دانند و بعضی دیگر یک دیسیپلین خاص، بعضی هم آن را نوعی معرفت می دانند. بعضی هم معتقدند که ما وقتی می توانیم یک دانش را علم بدانیم که قابل آموزش باشد، و استاد و دانشجو و آموزشگاه و مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاه داشته باشد.

با این مقدمه اگر ما شرق شناسی را با همان رویکرد معرفتی مدنظر داشته باشیم سابقه این جریان به پیش از اسلام باز می گردد. در آن دوران افرادی بودند که به خاور زمین می آمدند و از طرق مختلف اطلاعاتی به دست می آوردند.

این جریان از قرن سیزدهم میلادی به این طرف بیشتر معطوف به اسلام و حوزه تمدن اسلامی بود که به مرور زمان گسترش یافت و حوزه های مختلف و متعددی را در بر گرفت. از همین رو در قرن های بعد به خصوص در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، چین شناسی، مطالعات خاور دور و خاورمیانه از هم تفکیک شدند. طبیعتاً شرق شناس کسی است که در این حوزه به مطالعه و تحقیق می پردازد. از آنجا که این تحقیقات الزاماً به شناسایی منجر نمی شود برخی بر این باورند که این جمعیت را باید پژوهشگر بخوانیم. مطلب مهم بعدی که باید مد نظر داشته باشیم این است که شرق شناسی در طول قرون مختلف به واسطه تحولاتی که داشته مصداق هایش هم متفاوت بوده است؛ مثلاً در قرن های 15 تا 17 از آنجا که مسیحیت هیمنه قابل توجهی داشت و اروپا دارالمسیحیت به شمار می آمد هر فعالیتی که برای شناخت بقیه انجام می شد در فضای مجادلات مذهبی دور می خورد. اما در سال های بعد که اروپا یک کارخانه بزرگ شد آن ها به دیگران به چشم مشتری و بازار می نگریستند.

خاستگاه و سیر فعالیت ها و دریافت های شرق شناسان از شرق چه بوده است؟

یکی از اشکالات اساسی که به جریان شرق شناسی وارد می کنند و در رأس منتقدان آقای «ادوارد سعید» قرار دارد این است که شرق شناسان نگاهشان به شرق یک نگاه بیرونی است. شرق شناسان سعی می کنند که شرق را آن طور که خودشان می پسندند بازآفرینی کنند. به عنوان مثال یک مسیحی که در کانادا بزرگ شده، هر چقدر درس بخواند، تحقیق کند و حتی بیاید برای مدتی طولانی در شرق و ایران زندگی کند باز نمی تواند به کنه قضایا وارد شود. آن ها هم خودشان این قضیه را قبول دارند و سعی می کنند کار را از انحصار خودشان دربیاورند و غربیان غیر مسیحی و هم چنین شرقیان مسلمان را هم در این امر شریک کنند.

شرق شناسی چه خدماتی برای غرب ارائه کرده است؟

شرق شناسی یک اهرم و کانال خوبی بوده برای شناسایی. یکی از خاستگاه های شرق شناسی آنجا بوده که وقتی مسیحیان در جنگ های صلیبی شکست خوردند «ریموند رول» مردم را در شهر کرملون فرانسه جمع کرد و گفت ما نمی توانیم مسلمانان را با شمشیر شکست بدهیم. باید اول آن ها را بشناسیم تا بتوانیم بعداً بر آن ها مسلط شویم. بعد از آن وقتی که قرآن را ترجمه کردند در آن مقدمه اش نوشتند الان می توان دشمن را شناخت.

در طول قرن های متمادی غرب در عرصه های مختلف نظامی، تجاری و فرهنگی، شرق برخورد داشته است. به طور طبیعی در هر کدام از این رویارویی ها تمایل دارد که طرف مقابل و دشمنش را بشناسد و بفهمد که چه

اعتقاداتی دارد و حدود و ثغور جغرافیای فکری او چیست؟ مثلاً وقتی می‌فهمد که مسلمانان هنگام نماز ظهر نمی‌جنگند از این فرصت برای حمله و یا هر تاکتیک دیگری استفاده می‌کند.

اگر بخواهم مثال دیگری بزنم، بحث لباس‌ها را باید مطرح کنم. آن‌ها نمی‌آیند یک شلوار جین را یک شبه به بازار ایران و تهران عرضه کنند بلکه اول ساکنان منطقه و شهر را می‌شناسند و بعد مطابق میل و خواسته‌های آن‌ها فرهنگ مورد نظر خود را به آن‌ها قالب می‌کنند.

یکی از انتقادهای جدی که به شرق‌شناسی می‌شود همین است که فعالیت‌های آن‌ها در جهت مطامع استعمار و دولت‌های استعماری قرا گرفته است. البته ما همه مستشرقان را متهم نمی‌کنیم که آن‌ها در انجام تحقیقات و پژوهش‌هایشان چنین سمت و سویی داشته‌اند ولی به هر حال از تمام آثار آنان چنین استفاده‌ای شده است. به خصوص که بعضی از این افراد کارمندان وزارت خارجه و نهادهای جاسوسی دول استعماری بوده‌اند و بعضی دیگر هم از بودجه‌های دولتی استفاده می‌کرده‌اند.

مستشرقان چه وابسته بوده‌اند چه مستقل و با هر قصد و نیتی که کار پژوهشی می‌کرده‌اند آثار آن‌ها به جاهایی می‌رفته که از این آثار استفاده‌های خاصی می‌شده است. شما وقتی نگاه کنید می‌بینید که همه مدخل‌های جغرافیایی دایرة المعارف اسلام که بعد از جنگ جهانی دوم نوشته شده در جنگ‌ها و دیگر اقدامات سیاستمداران غربی مورد استفاده قرار گرفته است.

نکته دیگر هم اینکه محقق، موضوع تحقیقاتش را از جامعه می‌گیرد. وقتی دولت متبوعش با عراق و افغانستان وارد جنگ می‌شود طبیعی است که او هم تحقیقاتش به این سمت سوق پیدا کند. آن‌ها وقتی به حرم مطهر ابا عبدالله (ع) حمله می‌کنند و می‌بینند همان مردمی که اگر خود آن‌ها را می‌کشتی چندان برایشان مهم نبود اگر به این مکان حمله شود تاب نمی‌آورند و می‌خروشدند. مسلماً تلاش می‌کنند این مکان و شخصیت درون آن را بشناسد تا از علت این ماجرا مطلع شوند.

روش و متدولوژی شرق‌شناسان در معرفی و برخورد با شرق و منابع شرقی چه بوده است؟

این علم یا دیسیپلین مثل بقیة علوم و جریانات متأثر از مسائل جاری دورة خود بوده است. یعنی وقتی «مارتین لوتر» نهضت تقدّس‌زدایی از دین را راه انداخت یا انقلاب صنعتی در غرب رخ داد و یا وقتی رویکردهای پدیدارشناسانه ظاهر شدند همه این‌ها در شرق‌شناسی هم متبلور گشت.

در اروپا هیچ امر مقدسی وجود ندارد، آن‌ها هیچ تقدّسی نه برای کتاب مقدس خودشان و نه حضرت مسیح (ع) قائل نیستند و با یک نگاه خشک مکانیکی پدیدارشناسانه سراغ همه مسائل می‌روند. تا چند وقت قبل فکر می‌کردم آن‌ها نظرشان بر این است که در موضوع‌های تحقیق، باید تفهیمی¹ برخورد کنیم مسائل را هرمنوتیکی ببینیم تا این که با یکی از استادان آمریکایی مکاتبه داشتم و در جایی از نامه ام برای او نوشته بودم: Prophet of Allah (رسول الله) و او در جوابم نوشته بود ما در سنت آموزشی و پژوهشی خودمان در غرب بیش از محمد نداریم.

در حال حاضر مهم‌ترین مراکز شرق‌شناسی کدامند؟

تعداد مؤسساتی که الان در حوزه شرق‌شناسی کار می‌کنند خیلی زیاد است. شما در هر دانشگاهی که بگردید یک گروه و دپارتمان دین پیدا می‌کنید که در آن حداقل دو واحد درباره اسلام ارائه می‌شود. در خیلی از جاها پا را

فراتر از این گذاشته و دیپارتمان اسلام شناسی برپا کرده اند و در موارد متعددی هم ما دانشکده های اسلام شناسی را می توانیم مشاهده کنیم. دانشکده های شرق شناسی هم که از قرن سیزدهم با دانشکده رمنلول شهر کلمون به راه افتاد.

در خیلی از این مجموعه ها زبان های فارسی، عربی، ترکی و ... تدریس می شود که به طور طبیعی ضمن تدریس آن ها به دین و آیین مردمانی که به این زبان ها صحبت می کنند اشاره می شود. شما تاریخ ادبیات ادوارد براون را نگاه کنید. این مجموعه یک تاریخ ادبیات صرف نیست. وقتی صحبت از علامه مجلسی (ره) به میان می آید آرا و عقاید و آثارش هم معرفی می شود.

ما اگر بخواهیم تمام این مجموعه ها و فعالیت هایشان را فهرست کنیم چند جلد کتاب می شود. جالب است بدانیم بسیاری از این مجموعه های شرق شناسی در شرق هستند. دانشگاه های آمریکایی قاهره، بیروت، شارجه و دبی، آذربایجان و اردن و همچنین دانشگاه های انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و آلمانی بسیار چشمگیرند حتی بعضی از این ها در ایران هم مشغول به فعالیت هستند.

الآن در دنیا مراکز متعدد ایران شناسی، مؤسسات اسلامی و مجموعه های رو به ازدیادی را شاهدیم که همگی بر اساس روش حل مسئله، همایش و بورس و جایزه های متنوعی به راه می اندازند. وضعیت مطالعات درباره عراق با شش سال پیش تفاوت خیلی جدی دارد الآن آن ها با عراق درگیرند و در آنجا قدم گذاشته اند.

ورود شرق شناسان به حوزه فرهنگی شیعه از چه زمانی بوده است؟

از همان قرون وسطی به شیعیان توجه بوده منتها کارهای علمی منظم مربوط به همین دوره های اخیر است. در قرون وسطی در آثار افرادی مثل ژاک دوویتی، ویلیام سوری و مارکوپولو اطلاعات پراکنده ای درباره عقاید و آرا و آیین های تشیع و عزاداری ها و ... یافته می شود که در بسیاری موارد اشکالات جدی به اطلاعات ارائه شده وارد است و حتی در موارد متعدد مسائل را با هم خلط کرده اند. منابع اطلاعاتی آن ها هم درست نبوده گاهی از غلات مطالبشان را می گرفته اند و گاهی هم از اسماعیلیان. علت های کم توجهی آن ها به تشیع در آغاز این بوده که ما دولت های کاملاً شیعی در طول تاریخ کم داشته ایم و شرق شناسان با شیعیان کمتر ارتباط داشته اند. یکی از انتقاداتی که به طور جدی به شرق شناسان وارد می کنند این است که یا به شیعه کمتر توجه کرده اند و یا اگر توجهی داشته اند از طریق منابع اهل سنت بوده است. متأسفانه با اینکه الآن امثال دکتر نصر فعالیت های قابل توجهی در حوزه شیعه شناسی داشته اند با این حال حجم کارهای انجام شده درباره تشیع بسیار کم است.

فعالیت های شیعه شناسان و سیر تحول آن ها چه بوده است؟

در ابتدا توجه آن دسته از شرق شناسان به تشیع جلب شد که در حوزه فرق اسلامی فعالیت می کردند. افرادی مثل لائوس، اشتروتمان و گلدتسهیر (معروف به گلدزیهر) متوجه تشیع شدند و به دنبال علل افتراق آن ها از اهل سنت گشتند. به مرور دیدند که این فرقه ای که انفکاک سیاسی داشته، فلسفه و تاریخ و علوم مختلف مخصوص به خود دارد که همگی بکر و جذابند به خصوص مباحث عرفانی شیعی که جذابیت خاصی برای آن ها داشت. هانری گُربن به طور جدی به فلسفه و عرفان شیعی پرداخت. الان آقای گلیو در انگلستان به طور جدی فقه و اصول شیعی را پیگیری می کند.

وجه غالب مطالعات شیعی در حوزه تاریخ و اعتقادات است. بحث غیبت امام زمان (ع) صرف نظر از این که چگونه به آن نگاه می کنند حوزه ای است که توجه آن ها را به خود جلب کرده است. هر چند به هر حال با زبان رد و طعن از آن یاد می کنند ولی به هر حال برای آن ها مهم بوده است. مدخل مهدی در E12 که ترهاری آن را نوشته و یا مدخل غیبت هر دو حجم اندکی دارند و به خوبی گویای آن است که به رغم توجهی که شرق شناسان به تشیع نموده اند باز شیعه پژوهی در ابتدای راه است و هنوز خیلی جای کار دارد.

چقدر این حوزه متأثر از برخورد استکبار و امپریالیسم با اسلام، شیعه و انقلاب اسلامی ایران است؟ در قرن های 18 و 19 میلادی مطالعات نظام مند و سامان یافته اندکی در حوزه شیعه شناسی مشاهده می شد. در اوایل قرن بیستم این جریان کمی جدی تر می شود. کارهایی در هند مثل فعالیت های «کنون سل» انجام می شود و «دونالدسون» پس از جنگ جهانی اول کارهای قابل توجهی ارائه می کند. در فاصله بین جنگ جهانی دوم تا پیروزی انقلاب همچنان مطالعات شیعی به طور فردی و موردی پیگیری می شود.

انقلاب اسلامی در شرایطی رخ داد که به زعم آن ها دوره انقلاب ها تمام شده بود. در چنین شرایطی آن ها ناگهان با انقلابی مواجه می شوند که با تأکید برآموزه های شیعی یا همان اسلام سیاسی و شیعه مبارز تکیه دارد. به طور طبیعی توجه آن ها خیلی جدی به این سمت معطوف می شود و چنان کارها رشد می یابد که قابل احصا نیست. کتاب ها، همایش ها، دائرة المعارف تشیع و اخیراً مجله شیعه شناسی همه نتیجه انقلاب اسلامی است. البته این رشد کمی اصلاً دلیل رشد کیفی نیست.

درباره تأثیر استکبار و امپریالیسم بر این ماجرا لازم است یادآور شوم دولت های غربی منافع در خاورمیانه دارند که با مردم و دولت های شیعی منطقه گره خورده است. در کشورهای مثل فرانسه که حدود پنج میلیون مسلمان وجود دارد تعداد قابل توجهی از آن ها شیعه اند. علاوه بر این ها اقتضای شرایطی مثل حضور جدی شیعیان در لبنان، عراق و افغانستان و رویارویی و درگیری با این مردم را نباید فراموش کنیم. آن ها در هر شرایطی بر اساس منافع و مصالح مناسب آن حرکت می کنند. شما برای نمونه به کتاب مشهور امیر ارجمند که در غرب آن را منتشر ساخته است، نگاه کنید. عنوان این کتاب The shadow of God and hiddem imam... است نویسنده این کتاب از امام غایب با تعبیر و عنوان سایه خدا یاد کرده و طبیعی است در توضیح این عنوان باید غیبت، نواب و دیگر مسائل را تا دوره فعلی بحث کند.

آیا می توان فهرستی را درباره جریان شیعه شناسی و حوزه فعالیت های آن ارائه کرد؟ در برخی موارد جریان از این قرار بوده که یک نفر در حوزه ای متخصص می شد و پایان نامه می نوشت و بعد بر اساس علایقی که در این حوزه برای او به وجود می آمد صاحب کرسی می شد و به تربیت شاگردان می پرداخت. «برنارد لوپس» از این دسته است.

بعضی وقت ها هم منافع و مصالح دولت ها اقتضائات خاص خود را داشت که به زعم استقلال نسبی دانشگاه های غرب، باز این سیاست گذاری ها بی تأثیر نبوده است.

مطلب بعدی هم این که انگلستان و آمریکا از بعد از جنگ جهانی دوم همواره در برخورد با خاورمیانه بوده اند و منافعشان با این منطقه به طور جدی گره خورده است. حتی آلمان که هیچ مستعمره ای نداشته و به واسطه فعالیت های امثال «کارل بیکر» و «هانگز» و «هالم» آثار قابل توجهی در حوزه تشیع و مصر دوره فاطمی دارند.

مستشرقان آلمانی سال ها قبل در دانشگاه های مصر تدریس می کردند که این جریان هنوز هم ادامه دارد. شخصیتی مثل خانم شیمل در دانشگاه های مختلفی تا همین اواخر تدریس داشت.

میزان کند و کاو و کنجکاوی شرق، اسلام و تشیع درباره غرب در مقایسه با غربیان درباره شرق چقدر بوده است؟ جریان شرق شناسی از قرن سیزدهم میلادی شروع به کار کرده و تا به امروز در طول این چند قرن مستشرقان کتاب های بسیار زیادی را تألیف یا ترجمه کرده اند. همایش های متعددی برپا نموده اند. مراکز و مؤسسات مطالعاتی زیادی را به راه انداخته اند و در مقابل، چند سالی است که جریان غرب شناسی را چند تن از متفکران و اندیشمندان دلسوز ما به راه انداخته اند که هنوز در مراحل مقدماتی به سر می برد.

نکته مهمی که باید مد نظر داشته باشیم این است که بسیاری از ما یا زبان خارجی بلد نیستیم و یا از آن مهم تر مسئله را نمی شناسیم. خیلی راحت می گوئیم آن ها که مسیحی و غربی اند چه ضرورتی دارد که ما سراغ فعالیت ها و آثار آن ها برویم. اصلاً توجه نداریم که چه ما بخواهیم و چه نخواهیم همین الآن که ما در خانه هایمان نشسته ایم و استراحت می کنیم آن ها درباره اسلام و تشیع و پیامبر (ص) و تمام آنچه به ما مربوط می شود اظهارنظر می کنند و نظرات خود را به خورد جهانیان می دهند.

ما که دینمان را یک دین جهانی می دانیم، باید یک وسیله تبلیغ جهانی هم داشته باشیم و هم زمان به مسائلی که در دنیا در حال جریان است توجه داشته باشیم. ما همین مقدار فعالیتی را که تاکنون انجام داده ایم ثابت کرده ایم که ناتوان نیستیم ولی متأسفانه همه همتان را به کار نبسته ایم.

فعالیت های مستشرقان از چه وجوهی قابل نقد است؟

مستشرقان را از چند جهت می توان مورد

نقد و بررسی قرار داد؛ از همان کلمه مستشرق و Orientalist گرفته تا متدولوژی، توانایی و ابزارهایی که در اختیار دارند و هم چنین دانستن یا ندانستن زبان حوزه ای که درباره آن تحقیق می کنند.

برای نمونه شما وقتی بگویید «تأثیرات دولت صفویه در فلان موضوع» این یک عنوان بی طرفانه است ولی وقتی بگویید «تأثیرات منفی دولت صفویه...» خود به خود شما دچار غرض ورزی می شوید. در آثار آن ها از این دست مسائل زیاد پیدا می شود که گاه ناشی از غرض و مرض های آن هاست و گاه ناشی از جهالت ها و ناآگاهی هایشان.

افراد شاخص این حوزه چه کسانی هستند؟

بسیاری از مشاهیر حوزه شیعه پژوهی یا شاگردان برنارد لوئیس بوده اند یا شاگردان شاگردان او. افرادی مثل اتان کولبرگ در رژیم صهیونیستی، رابرت گلیو در لندن و افراد متعدد دیگری در کانادا و ایالات متحده مشغولند.

نقش یهود و صهیونیسم در این جریان چقدر است؟

از نیمه دوم قرن بیستم و بعد از جنگ جهانی دوم، مستشرقان آمریکایی و یهودی این جریان را دچار تحول کردند. بودجه های مفصلی در آمریکا و رژیم صهیونیستی برای این موضوع هزینه می شود که با نگاه خاص خودشان مشغول به فعالیت هستند.

برای نمونه می توان به کنفرانس 1985 تل آویو اشاره کرد؟

شیعه شناسی این روزها بسیار سازمان یافته تر از قبل به نظر می رسد. یکی از نشانه های این سازمان یافتگی و انسجام برپایی کنفرانس ها و گردهمایی ها است. البته نه برای خوردن چای و شیرینی و شام برای این که یافته ها و نتایج تحقیقات فکری و تجربی مان را با هم مبادله کنیم. فکر تألیف مجموعه گسترده دائره المعارف اسلام در یکی از همین کنگره ها اتفاق افتاد.

از آنجا که شرق شناسان دولت اسرائیل تحصیل کرده های مراکز علمی غرب هستند زبانشان انگلیسی است و همان مسیر انگلیسی ها و آمریکایی ها را ادامه می دهند. در این کشور بودجه های زیادی خرج تحقیقات و برپایی نشست ها و همایش ها می کنند و در ضمن آن ها به ارائه و تبادل آراء و نظریاتشان می پردازند. کنفرانسی که شما پرسیدید یکی از این کنفرانس هاست که مجموعه مقالاتش با عنوان «تشیع، اعتراض و مقاومت» زیر نظر مارتین کرامر چاپ و منتشر شد. این کتاب به زبان فارسی هم ترجمه شده است. بخشی از مطالب آن مربوط به صدر اسلام است و بخشی مربوط به مسائل روز. آن ها در این جریان بر اساس آن که ایران و اسرائیل با هم مسائلی دارند به دنبال مقابله و یا لاقابل برابری آن هستند.

برپایی این کنفرانس ها و نشست ها در حوزه تشیع چه رشدی داشته است؟ تا پیش از انقلاب تعداد این کنفرانس ها خیلی کم بود ولی از بعد از سال 79 و 80 میلادی که انقلاب اسلامی پیروز می شود رشد کمی و کیفی قابل توجهی در این حوزه دیده می شود. برای افزایش کیفیت تحقیقات، انجام این پژوهش ها و یا اداره مؤسسات پژوهشی حوزه شیعه شناسی یا اسلام شناسی را به مسلمانان و شیعیان می سپرند تا به نگاه بیرونی متهم نشوند. محققان ایرانی مانند دکتر نصر و امثال او در این حوزه کم نیستند.

سازمان های فرهنگی، که ارتباطات بین المللی دارند چقدر از حوزه عمل شیعه شناسان آگاهند؟ بهتر است این سؤال را با خود آن ها طرح کنید. چنین مجموعه هایی که ما در کشور داریم تا آنجا که بنده اطلاع دارم بر خلاف ادعایی که دارند از این موضوعات اطلاعات کافی ندارند. آن ها باید افراد شایسته و توانمند را به کار بگیرند تا در کنار ارتباطاتی که داریم بتوانیم نتایج مطلوبی بگیریم. مؤسسات و نهادهای ما حداکثر به دنبال تبلیغ تشیع هستند حال آن که ما باید از فعالیت های آن ها هم مطلع باشیم و موسسات و مراکز اسلام شناسی غرب باید تعامل بیشتری با دانشگاه های ما داشته باشند.

برای نقد و اصلاح دیدگاه و برداشت آن ها از شیعیان چه می توان کرد؟ ما می توانیم از روش های آن ها در تحقیقاتمان استفاده کنیم آن ها هم باید سعی کنند به جاده انصاف بروند. ما باید ابزارهای کافی را به دست بیاوریم. برای نمونه اگر مجموعه شما قابلیت ترجمه مقالاتش را به زبان انگلیسی داشت چقدر بر حجم مخاطب های شما افزوده می شد؟ ما هر چقدر به زبان های بیشتری مسلط باشیم طبیعی است تعداد مخاطبان ما بیشتر می شود.

تعریف و تدوین ISI اسلامی هم که وزارت علوم به دنبال تحقق آن است اقدام شایسته ای به شمار می آید. نوشتن یک مقاله ISI در حوزه علوم انسانی و اسلامی به مراتب سخت تر از علوم فنی است. ما باید هم آن را تعریف کنیم و هم از محققانی که توانایی ورود به این حوزه را دارند به طور جدی حمایت بکنیم. چنین آثاری هم

برای خود مولف و محقق ماندگارتر است و هم در جهان تأثیر بسزایی خواهد داشت.

ما باید درشت نمایی هایی را که غربی ها انجام داده اند مخدوش کنیم. مگر شخصیتی مثل صدام را ما سر کار آورده بودیم که اعمال پلید و ناشایست او را به حساب جهان اسلام می گذارند؟ یکی دیگر از کارهایی که در این راستا مؤثر است حضور محققان دو طرف در کنار هم و ایجاد ارتباط میان آن هاست. شما نگاه کنید گفت و گوهای میان هانری کربن و علامه طباطبایی (ره) چقدر در تبلیغ تشیع در جهان تأثیر داشته است.

ارتباطات علمی، چاپ مقاله، تبادل استاد و دانشجو، راه اندازی اردوها و سفرهای علمی آگاهانه و هوشمندانه و نه برای دیدن در و دیوارها در این راستا خیلی مؤثر خواهد بود.

شیعه پژوهان چه فعالیت هایی در حوزه مهدویت داشته اند؟
اولاً همان طور که خدمتتان عرض کردم کارهایی که در حوزه امامیه انجام شده بسیار کم است و طبیعتاً مهدویت به عنوان جزئی از آن وضعیت بهتری ندارد.
ثانیاً نگاه آن ها به مهدویت یک نگاه عام و کاملاً متفاوت با ماست. هم در تمام ادیان موضوع منجی گرایی وجود دارد و هم در اسلام مدعیان مهدویت زیاد بوده اند. حتی منصور عباسی نام فرزندش را مهدی گذاشت و به نام او سکه ضرب کرد تا به همگان او را به عنوان مهدی موعود بنمایاند.
ثالثاً آن ها به جریان غیبت مثل یک واقعه تاریخی نگاه نمی کنند و همانند ماجرای غدیر خم به کل، منکر وقوع آن هستند. به این دست مسائل با همان نگاه مکانیکی مادی و خاکی نگاه می کنند. می گویند مگر می شود کسی 1200 سال عمر کند.

بیشتر کسانی که درباره شیعه و امامیه کار می کنند به نحوی به امام دوازدهم (ع) و غیبت هم می پردازند یکی از اولین کارهایی که از این دست انجام شده کتاب مذهب تشیع دوايت دونالدسون است که غربی ها خیلی روی آن مانور می دهند و با گذشت سال ها از تألیف آن همچنان به آن ارجاع می دهند. این اثر را که آن ها اولین کار جدی در زمینه شیعه شناسی تلقی می کنند به یک سری از عقاید و حوادث تاریخی تشیع از ابتدا تا شانزده سال اول دوره پهلوی ها پرداخته است.

نیومن در کتاب دوره شکل گیری فقه شیعه (The formative period of shii law) بحثی درباره امام دوازدهم (ع) دارد. مویان مومن هم در کتاب درآمدی بر تشیع (An introduction of shia Islam) بحثی در این رابطه دارد. مقاله کولبرگ صهیونیست با عنوان «از امامیه تا اثنی عشریه» بخشی را به آن اختصاص داده است.
برخی کارها هم به طور اختصاصی به موضوع مهدویت پرداخته اند. مدخل های «مهدی» و «غیبت» در EI2 به طور مختصر به آن پرداخته اند. هم چنین کتاب سعید امیر ارجمند که پیش از این نام بردیم. عبدالعزیز ساشادینا هم اثری اختصاصی درباره غیبت امام دوازدهم (ع) دارد.

در شرایط فعلی وظیفه ما در داخل کشور چیست؟

اولین مطلب این است که ما امنیت کرسی های شیعه شناسی را در کشور افزایش بدهیم تا یک مؤسسه بعد از دو، سه سال کار کردن به واسطه نبود یا کمبود این حمایت ها تعطیل نشود. بعد در جاهایی که رشته تاریخ

تمدن اسلامی دارند می توان یک گرایش شیعه شناسی یا مطالعات شیعی راه انداخت. ما باید مرتب زمینه های تحصیل افراد را فراهم کنیم و با تربیت مناسب زمینه های رشد آن ها را به وجود بیاوریم. پایان نامه هایی که در زمینه های مختلف تاریخ تشیع انجام می شود، تصحیح رساله های شیعی در علوم مختلف مثل ریاضی و ... همه نیازمند حمایت و جهت دهی است. باید در اولین فرصت آثار انجام شده منتشر شوند و آن ها را به زبان های مختلف به دنیا عرضه کنیم.

باید محققانی را که در حوزه شیعه شناسی و تاریخ تشیع کار می کنند و حتی گاه کل عمر خود را بر سر این تحقیقات گذاشته اند از انزوا در بیاوریم و به آن ها امکانات بدهیم. ما الآن محققان توانمندی در حوزه و دانشگاه داریم. این ها اگر امکانات داشته باشند می توانند شاگردان خوب و زیادی تربیت کنند.

ما باید همان طور که بورسیه های زیادی برای دکتری مکانیک و ریاضیات می دهیم برای تشیع هم که اصل و اساس ماست ارزش بیشتری قائل شویم. ما اگر دانشجویی را تأمین کردیم و بعد پایان نامه اش به درد نخورد آن وقت می توانیم یقه اش را بچسبیم؛ در صورتی که الآن به ناحق همه گناهان را سر دانشجو خراب می کنیم که تنبلی کرده و کار نکرده است.

به نظر من اگر جایی در روی کره زمین در زمینه تاریخ و فرهنگ و معارف شیعه بخواهد کار کند و دانشجو از خارج بپذیرد، تحقیق کند و حتی برای کشور درآمد ایجاد کند هیچ جا جز ایران نیست. در این راستا باید مراکز علمی و فرهنگی ما با هم هماهنگ باشند. شورای عالی فرهنگی ما باید برای ترویج، گسترش و پیشبرد شیعه در کشورهای مختلف و در داخل کشور خیلی فعالیت کند.

در بعد خارجی ما باید ارتباطات خوبی با مراکز خارجی که در این عرصه فعالیت می کنند، برقرار کنیم. نمایندگان فرهنگی مان در دیگر کشورها از فارغ التحصیلان این رشته ها که زبان خارجی بلدند انتخاب شوند. توجه داشته باشیم چنین شخصیتی وقتی مثلاً به اسپانیا برود یک مبلغ قوی است.

علاوه بر این ما اصلاً از امکانات و استعداد شیعیانی که در خارج از کشور زندگی می کنند استفاده نمی کنیم. جمع قابل توجهی از طلاب خارجی در قم تحصیل می کنند. اگر بخواهیم می توانیم از آن ها استفاده کنیم. اگر از آن ها بخواهیم که پایان نامه هایشان را فقط درباره تشیع در منطقه و کشور محل سکونتشان بنویسند اطلاعات خیلی زیادی می توانند به ما بدهند.

غربیان هفت، هشت قرن کار کرده اند بودجه های زیادی را بر سر این کارها گذاشته اند و ابزارهای متنوعی را به کار گرفته اند ولی با این حال با این همه عقب بودن ها با حمایت های جدی نهادهای مختلف مسئول در این عرصه مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، صدا و سیما، آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و ... می توان به نتایج خوبی دست یافت.

پی نوشت :

1. Comprehensive